

ضربانگ

نگاهی به موسیقی ۲۳

● **حمید فرید**، لرستان؛ با قدمتی چندین هزار ساله، از آغاز سرزمین هنرها بوده است. موسیقی از همان آغاز با زندگی مردمان این قوم عجین بوده و خوشبختانه موسیقی لری که ریشه در تاریخ و فرهنگی چنین دور، دیر و عمیقی دارد، به دلیل شرایط ویژه تاریخی و جغرافیایی، گمابیش از آسیب اصالت‌کشی و هویت‌زدایی به دور مانده است. براساس کاوش‌های باستانی این منطقه، قطعات سفالی حاوی تصاویری از رقص و پایکوبی یافت شده است که قدمت موسیقی لرستان را به هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح رقم می‌زند. همچنین تصاویری از آلات موسیقی مانند شیپور و تنبور بر روی ظروف نقره حک شده‌اند. دوره ساسانی، حاکی از رواج موسیقی نزد این قوم در آن دوره از تاریخ نیز داشته است. موسیقی در این قوم به شش گونه اصلی؛ «موسیقی عرفانی»، «موسیقی پیغامگیر»، «موسیقی کار»، «موسیقی شادابانه»، «موسیقی عزا» و «موسیقی تغزلی» تفکیک می‌شود و تسمای این گونه‌ها به دو بخش کلی آوازی (کلامی) و سازی طبقه‌بندی می‌شود. موسیقی و ترانه‌های مردم لر معمولا در میزان‌های مرسوم (دوچهارم و شش‌هشتم) اجرا می‌شود که در تعدادی از ترانه‌ها شروع ملودی با نت سکوت همراه است (وجه مشترک با موسیقی قوم کرد). به اعتقاد برخی از کارشناسان، موسیقی لری به‌ویژه در منطقه لرستان نسبت به سایر اقوام، بیشترین بهره را از دستگاه مهور برده است و آمیختگی فرهنگی با این دستگاه سبب ایجاد گوشه «شیرین خسرو» شده است. این گوشه در موسیقی دستگاهی در دستگاه شور اجرا می‌شود و اجرای مهور آن مختص به موسیقی لرستان است. دکتر «محسن حجازیان» (پژوهشگر موسیقی اقوام) در مقاله‌ای آورده است که «برخی از موسیقی‌شناسان لر اشتباهاً درجه سوم «خسرو شیرین» را درجه طبیعی ثقلی می‌کنند و آن را مهور معرفی می‌کنند و گام آن را ماژور می‌دانند؛ درحالی‌که خصوصیات مهور را ندارد و با آن متفاوت است. موسیقی‌دانان باید از نام‌گذاری مدهای موسیقی قومی زیر عنوان نام گوشه‌ها و دستگاه‌های کلاسیک اجتناب کنند؛ زیرا هر یک از این دو (موسیقی قومی و دستگاهی) هویت و شخصیت جداگانه مدال خود را دارند». باید گفت که در مناطق بختیاری تمشال‌ها (افرادی که به اجرای موسیقی می‌پردازند) نغمه‌ها را در دستگاه شور می‌نوازند که قالب اشعارشان غزل‌گونه و عاشقانه است و گاهی در قالب لالایی ماندگار و گاه شرجی از زندگی قوم به اجرا درمی‌آوردند. از نمونه سازهای موسیقی لری می‌توان به «کمانچه»، «سرا»، «میره» (تنبور)، «بلور» (نوعی نی‌لیک چوپانی)، «تال» (شبه سهار)، «کرتنا» و «تیک» اشاره کرد. لر‌ها این ادوات را به شیوه‌های خاص که از هویت و روحیت و روحیات و تاریخ و جغرافیای خودشان است، می‌نوازند. و اما ساز کمانچه به‌عنوان ساز رسمی این موسیقی ایغای نقش می‌کند که نحوه اجرای آن و ایجاد ویبراسیون‌ها (لغزش رو سیم ساز با انگشت) توسط نوازندگان محلی باعث می‌شود نوعی لهجه خاص مربوط به این قوم در ملودی‌ها طنین‌انداز شود. این لهجه ملودیک ناشی از اجرای ریخت‌های خاص توسط نوازندگان و تاکید بر فواصلی است که با آنچه در موسیقی غربی است، تفاوت دارد. همچنین در بسیاری از قسمت‌ها شروع از درجه دوم (نت ر) است و در مواردی ایست قطعات نیز بر این درجه استوار است و تفاوت‌هایی در نحوه بیان یا دستگاه مهور ردیف دارد. از طرفی شاخص اصلی موسیقی مقامی لر زبانان و به‌ویژه در خرم‌آباد آواز معروف علیدوستی است که درخصوص مایه‌شناسی و ساختار موسیقایی، همه موسیقی‌دانان و ردیف‌شناسان قدیمی این آواز را برگرفته از گوشه داد مهور می‌دانند. برخی از ترانه‌های معاصر این قوم در منطقه لرستان نیز در دستگاه مهور ساخته شده‌اند. این ساخته‌ها با حسن سلحشوری و روحیه مردمان منطقه منطبق است. به‌عنوان نمونه معروف‌ترین ترانه‌های لری که توسط آهنگ‌سازان محلی و ایرانی باسزازی و بارها اجرا شده است، ترانه معروف «دایه‌دایه» است که در مقام «سه پا» بوده که دارای ریشه‌ای حماسی است. در موسیقی لری ملودی‌ها، در سه بخش باستانی (شامل کلام‌ها)، روستایی (همراه دهل و دوزله) و شهری (همراه کمانچه) قرار دارند. فواصل موسیقی باستانی با تفاوت‌های اندکی منطبق بر فواصل تنبوری در قوم کرد است که می‌توان به مقام‌های «سحری»، «هوره» و «چمری» اشاره کرد. حزن و وفشار دو عنصر عمده جذاب موسیقی لری هستند که حتی در موسیقی «شادابانه» این قوم، حزن شیرین و عمیق و وقار و صلابتی جذاب را داراست یا در نغمات عزا، استواری مثال‌زدنی نهفته است. اشعار در موسیقی لری درونمایه و حسی در عین حماسی بودن، نوستالژیک و محزون دارد که همین امر آن را به صورت ترکیبی بهنجار و دلنواز از حماسه و تغزل درآورده و به حالت عرفانی نزدیک می‌کند. مضامین شعرها بدیع، مفاهیم‌شان روشن و ساده و عمیق‌اند. این اشعار به طور کلی که سرایندگان‌شان غالباً بومی و بی‌نام و نشان هستند، تفکیک‌ناپذیر یا نغمات موسیقی لری و هماهنگ با آن هستند. این ویژگی‌ها در اشعار فی‌البداهه‌ای که در آیین‌ها و مراسم خاص مانند عزا و عروسی سروده می‌شوند و به آوج خود می‌رسد. بخشی از موسیقی این قوم نیز مستقیماً برای درمان مردم به کار گرفته می‌شود که نمونه‌های آن تنبورتوازی بر بالین بیماران صعب‌العلاج و بلورنوازی بر بالین بیماران است که تب شدید از محصولات بیماری آنان است و سیرناتوازی برای زن آبستن در ایام حاملگی است.

از روز جمعه، هشتم اسفند ۹۹، گالری « هدایت تهران» میزبان رویدادی ویژه است؛ رونمایی از بسته ویژه بزرگداشت پرویز تناولی به‌همراه گشایش یک نمایشگاه عکس و شماری چاپ سیلک‌اسکرین اثر پرویز تناولی. نخستین چیزی که در نمایشگاه به چشم می‌خورد، یک نمایشگر است که ویدئوهایی کوتاه از پشت‌صحنه تولید فیلم و موسیقی را نشان می‌دهد. نخستین تصویری که با آن روبرو می‌شویم، لحظه‌ای از تیزر فیلم مستند «قطعه و شیر» اثر سروناز علم‌بیگی است که آتلیه «پرویز تناولی» را خالی و بدون او نشان می‌دهد. «گالری ۱۰» و «بنیاد موسیقی پری صفا» که برگزارکنندگان این نمایشگاه و تهیه‌کنندگان این بسته ویژه هستند، تلاش کرده‌اند که این رویداد، بزرگداشتی درخور این هنرمند دور از خانه باشد.

پیشینه بسته‌ای که روز جمعه رونمایی شد، به تابستان ۱۳۹۶ و نمایشگاه بزرگ «پرویز تناولی و شیرهای ایران» در موزه هنرهای معاصر تهران بازمی‌گردد. گالری ۱۰ و بنیاد موسیقی پری صفا در کنار « موزه پرویز تناولی» پشتیبانان اصلی آن نمایشگاه بودند. در آن هنگام برای همراهی با آن رویداد بزرگ، گالری ۱۰ تهیه‌کنندگی فیلم «قطعه و شیر» را به کارگردانی خانم علم‌بیگی بر عهده گرفت و این مستند که درباره آثار استاد تناولی و نمایشگاه بزرگداشت او در موزه است، در روز گشایش نمایشگاه و در طول رویداد برای دیدارکنندگان موزه پخش شد. هم‌زمان بنیاد موسیقی پری صفا در نخستین پروژه بزرگ خود برای همراهی با پرویز تناولی و شیرهای ایران را به سه آهنگ‌ساز مطرح کشور کریستف رضاعی، پیمان یزدانیان و مازیار یونسوی داد. قطعات نوشته‌شده برای ارکستر در گذر از دو شب کنسرت استثنائی در تالار وحدت تهران از سوی ارکستر سمفونیک ایران-اتریش (آیسو) اجرا شدند. از آن هنگام تاکنون تلاش‌های بسیاری از سوی این بنیاد برای انتشار این آلبوم شد. اما مشکلات ضبط و هزینه‌های آن، چاپ این اثر را به عقب انداخت. پیش‌تر هزینه ضبط چنین اثری با نوازندگان خارجی و در بیرون از ایران کمتر از ضبط آن در داخل کشور بود، اما با دگرگون شدن شرایط در سال‌های اخیر چنین کاری ناممکن شد. در نهایت با همه سختی‌های ناشی از تغییرات اقتصادی و دشواری‌های بیماری همه‌گیر، آلبوم موسیقی «بزرگداشت پرویز تناولی» در ایران

از روز جمعه، هشتم اسفند ۹۹، گالری « هدایت تهران» میزبان رویدادی ویژه است؛ رونمایی از بسته ویژه بزرگداشت پرویز تناولی به‌همراه گشایش یک نمایشگاه عکس و شماری چاپ سیلک‌اسکرین اثر پرویز تناولی. نخستین چیزی که در نمایشگاه به چشم می‌خورد، یک نمایشگر است که ویدئوهایی کوتاه از پشت‌صحنه تولید فیلم و موسیقی را نشان می‌دهد. نخستین تصویری که با آن روبرو می‌شویم، لحظه‌ای از تیزر فیلم مستند «قطعه و شیر» اثر سروناز علم‌بیگی است که آتلیه «پرویز تناولی» را خالی و بدون او نشان می‌دهد. «گالری ۱۰» و «بنیاد موسیقی پری صفا» که برگزارکنندگان این نمایشگاه و تهیه‌کنندگان این بسته ویژه هستند، تلاش کرده‌اند که این رویداد، بزرگداشتی درخور این هنرمند دور از خانه باشد.

پیشینه بسته‌ای که روز جمعه رونمایی شد، به تابستان ۱۳۹۶ و نمایشگاه بزرگ «پرویز تناولی و شیرهای ایران» در موزه هنرهای معاصر تهران بازمی‌گردد. گالری ۱۰ و بنیاد موسیقی پری صفا در کنار « موزه پرویز تناولی» پشتیبانان اصلی آن نمایشگاه بودند. در آن هنگام برای همراهی با آن رویداد بزرگ، گالری ۱۰ تهیه‌کنندگی فیلم «قطعه و شیر» را به کارگردانی خانم علم‌بیگی بر عهده گرفت و این مستند که درباره آثار استاد تناولی و نمایشگاه بزرگداشت او در موزه است، در روز گشایش نمایشگاه و در طول رویداد برای دیدارکنندگان موزه پخش شد. هم‌زمان بنیاد موسیقی پری صفا در نخستین پروژه بزرگ خود برای همراهی با پرویز تناولی و شیرهای ایران را به سه آهنگ‌ساز مطرح کشور کریستف رضاعی، پیمان یزدانیان و مازیار یونسوی داد. قطعات نوشته‌شده برای ارکستر در گذر از دو شب کنسرت استثنائی در تالار وحدت تهران از سوی ارکستر سمفونیک ایران-اتریش (آیسو) اجرا شدند. از آن هنگام تاکنون تلاش‌های بسیاری از سوی این بنیاد برای انتشار این آلبوم شد. اما مشکلات ضبط و هزینه‌های آن، چاپ این اثر را به عقب انداخت. پیش‌تر هزینه ضبط چنین اثری با نوازندگان خارجی و در بیرون از ایران کمتر از ضبط آن در داخل کشور بود، اما با دگرگون شدن شرایط در سال‌های اخیر چنین کاری ناممکن شد. در نهایت با همه سختی‌های ناشی از تغییرات اقتصادی و دشواری‌های بیماری همه‌گیر، آلبوم موسیقی «بزرگداشت پرویز تناولی» در ایران

حجم یادبود و بسته بزرگداشت پرویز تناولی رونمایی شد

ادای دین موسیقی به تناولی و شیرهای ایران



و با دست‌اندرکارانی همه ایرانی منتشر شد. اکنون با حمایت گالری ۱۰ و بنیاد موسیقی پری صفا، فیلم مستند «قطعه و شیر» و آلبوم موسیقی «بزرگداشت پرویز تناولی» در بسته‌ای ویژه منتشر شده‌اند.

استاد تناولی برای این رویداد در نسخه‌های محدود یک حجم یادبود کوچک را با امضای خود برای افزودن به این بسته اهدا کرده که آن را به یادبودی ویژه تبدیل کرده است. شماری بسته از سوی گالری ۱۰ منتشر شده‌اند که رنگ مجسمه‌شان با نشان این گالری که مشکی است، هماهنگ است و شماری بسته را نیز بنیاد موسیقی پری صفا منتشر کرده که رنگ مجسمه‌اش با رنگ نشان این بنیاد، بنفش، همگون است. هر دو بسته در کنار اثر تناولی دربردارنده فیلم مستند «قطعه و شیر» و آلبوم موسیقی «بزرگداشت پرویز تناولی» هستند. این بسته ویژه در شمار محدود از گالری هدایت که میزبان این رویداد است، ارائه شده‌اند. در آینده نزدیک بسته عادی «بزرگداشت پرویز تناولی» که تنها دربردارنده فیلم مستند «قطعه و شیر» و آلبوم موسیقی «بزرگداشت پرویز تناولی» است، به بازار عرضه خواهد شد.

نمایش همراهِ این رونمایی، پنج اثر چاپ سیلک‌اسکرین با موضوع «شیر ایرانی» از استاد تناولی را دربر دارد. مجموعه‌ای از عکس‌های عکاسان مهم نیز در پیوند با این رویداد به نمایش درآمده که در میانشان نام مریم زندی، ژوین میراسکندی، حمیرا

هنر

آثاری درباره تناولی و شیرهای ایرانی را سفارش داد. این کنسرت را ارکستر سمفونیک ایران و اتریش (آیسو) به رهبری مازیار یونسوی در تالار وحدت اجرا کرد. آهنگ‌سازان در این ساخته‌های خود از شیر ایرانی سخن گفتند و به تناولی، شیر هنر معاصر ایران اشاره کردند. کالری ۱۰ نیز برای همراهی با نمایش تناولی، تهیه‌کننده یک فیلم مستند به نام «قطعه و شیر» با کارگردانی سروناز علم‌بیگی بود که در روندی تماشایی به چهار سوی تناولی یعنی مجسمه‌ساز، نقاش، نویسنده و مجموعه‌دار می‌پردازد.

حاتم درباره دشواری‌های ضبط آلبوم موسیقی این کنسرت در دوران کرونا می‌افزاید: «ما چند بار دورخیز کردیم برای ضبط این اثر؛ حتی دو بار تصمیم گرفتیم این اثر را در یکی از کشورهای اروپای شرقی ضبط کنیم که به خاطر افزایش قیمت دلار موفق به این کار نشدیم و در نهایت با سختی تمام هزینه‌اش را تاامین کرد و در داخل ایران ضبط کردیم. یکی از دشواری‌های ضبط این اثر، هم‌زمانی آن با شیوع کرونا بود که کار ضبط و میکس آن را مشکل کرد. به خاطر محدودیت‌های ناشی از کرونا، نوازندگان یک به یک بخش خود را در استودیو نواختند و با پایان یافتن ضبط، کارهای میکس انجام شد. در مواردی نوازندگان ارکستر، آلبوم‌سازهای بادی، مجبور بودند برای ضبط اثر یک نفر یک نفر به داخل استودیو بروند.» به گفته بنیان‌گذار بنیاد موسیقی پری صفا، «در نهایت با هزینه بسیار و از جان و دل مایه‌گذاشتن افراد ارکستر، این اثر به رهبری مازیار یونسوی و تهیه‌کنندگی رامین صدیقی از نشر موسیقی هرس به سرانجام رسید. یکی از نکات جالب این کنسرت و آثار آهنگ‌سازان آن که کاملاً اتفاقی و بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی صورت گرفت، نگاه متفاوت هر سه آهنگ‌ساز به زاویه‌ای از شخصیت هنری پرویز تناولی بود که از این موضوع بسیار خوشحالم؛ چراکه

کریستف رضاعی با نگاه به هنرمند و سپس «شیرها»، مازیار یونسوی با نگاه به سوزۀ پرویز تناولی و پیمان یزدانیان با نگاه به «شیر» به‌عنوان یک نماد هویتی از تاریخ که تا به امروز سمبل بحران هویت است، فضایی متفاوت را به وجود آوردند که از نظر من بسیار جالب است.»

برای دیدار از این نمایشگاه علاقه‌مندان می‌توانند تا ۲۲ اسفند از ساعت ۱۴ تا ۲۰ به گالری هدایت» به نشانی تهران، خیابان استاد بجات‌الهی (ویلا)، کوچه ششم، پلاک ۱۵ مراجعه کنند.

توضیح دو نفر از بنیان‌گذاران ماهنامه «فیلم»، عباس یاری و هوشنگ گلمکانی، درباره رویدادهای اخیر این مجله

تیر خلاص در اواخر تدارک انتشار شماره ۵۸۱ زده شد



جهانبخش نورایی که منتقد فیلم و در ضمن وکیل دادگستری و مشاور حقوقی است، تنظیم شد و شخص ایشان به‌عنوان حکم و داور مرضی‌الطرفین در این مشارکت‌نامه تعیین شدند. در یکی از مواد این مشارکت‌نامه آمده که با مرگ یکی از سه نفر، در مجموع، با توجه به شناختی که از سابقه ۵۰ساله مطبوعاتی ما و پیشینه ماهنامه «فیلم» و روند انتشار آن و همچنین نقش و جایگاه هریک از ما سه نفر در مطبوعات، سینما و کل جامعه فرهنگی وجود دارد، تصور نمی‌کردیم که با مرگ هریک از ما تردیدی برای ادامه کار وجود داشته باشد و حتی اگر قانون جیز دیگری بگوید، می‌توان از تبصره‌ای استفاده کرد که حقوق افراد در موردی چنین روشن، رعایت شود. اما بعد معلوم شد قانون به این چیزها توجه ندارد و پس از مرگ مسعود مهرابی، با شتابی که وارثان به خرج دادند، امتیاز مجله به‌سرعت به فرزندش پویا مهرابی منتقل

دادیم که این نظرخواهی همیشه از کسانی انجام می‌شود که سابقه‌ای در نقد و ادبیات سینمایی دارند و کسی شما را در این عرصه به یاد نمی‌آورد، بی‌فایده بود. گفتم علاوه بر سنت جهانی این‌گونه نظرخواهی‌ها، در مجله فیلم هم نویسندگان پس از اینکه چند سال از نوشتنشان می‌گذشت، مجاز به شرکت در این نظرخواهی‌ها می‌شدند و پدرت بیش از همه اصرار بر این قاعده و روال داشت. بی‌فایده بود و همچنان اصرار کرد، با این استدلال که: «من مدیرمسئولم» و هرچه می‌گفتم این نظرخواهی از منتقدان و نویسندگان است، نه از مدیران مسئول، اصرار ادامه پیدا کرد. پس از سه روز کشمکش و تلاش نامبرده برای واردکردن نظرایش به فهرست برگزیدگان و مقاومت ما، پویا مهرابی در حضور تعدادی از همکاران در اتاق صفحه‌بندی فرمان به اخراج گلمکانی و یاری و شجری‌کهن داد!

از شرح جزئیات بامزه ماجرا می‌گذریم. پس از دو، سه روز، سرانجام با وساطت یکی از همکاران، او رضایت داد که مجله بدون ورود به نظرخواهی منتشر شود اما به‌عنوان آخرین شماره، ما با توجه به شناختی که از نامبرده پیدا کرده‌ایم، ادامه همکاری را مطلقاً ناممکن می‌دانیم و او هم بر این تصور است که با درست‌داشتن امتیاز انتشار ماهنامه «فیلم»، بدون توجه به حقوق معنوی دو شریک دیگر و سایر نویسندگان مجله مالک مطلق آن است و می‌تواند شخصاً درباره‌اش تصمیم بگیرد.

همان طوری که قانون، عنوان «فیلم» را متعلق به وارث مسعود مهرابی دانسته، منتظر می‌مانیم تا همان قانون درباره حقوق معنوی تاریخ «فیلم» برای دو شریک و بنیان‌گذار دیگرش تصمیم بگیرد. بی هیچ تردیدی ما در میراث «فیلم» سهم هستیم و در ادامه راه، «فیلم» هم جایی است که ما و نویسندگان آشنایان مجله حضور داریم؛ حتی اگر قانون، این اسم را متعلق به دیگری باند و ما با عنوان دیگری کارمان را ادامه بدهیم. فرصت برای تدارک شماره تروز که از دست رفته اما شماره بعدی مجله با نامی دیگر، اردیبهشت آینده با حضور فیلمی‌ها منتشر می‌شود و -گفتم و بارها تکرار کردیم که- کشتی به رهاش ادامه می‌دهد.

زیر درختان زیتون

چالش‌های میان‌رسانه‌ای در انتخابات فدراسیون فوتبال

محوطه جرمه!

فرهاد خالدینیک

● رقابت میان صداوسیما و سامانه‌های فعال در شبکه نمایش خانگی همچنان ادامه دارد و هر روز ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند. در تازه‌ترین نمونه از این رقابت، علی کریمی قید حضور در ویژه‌برنامه «فوتبال برتر» را که به مناظره میان نامزدهای ریاست فدراسیون فوتبال اختصاص داشت، زد و تصمیم گرفت از طریق پلتفرم‌های اینترنتی، برنامه‌هایش را اعلام و رسانه‌ای کند. در متن نامه علی کریمی به مدیر گروه ورزش شبکه سوم سیما آمده بود: «احتراماً به آگاهی می‌رسانم این‌جانب علی کریمی، نامزد تصدی سمت ریاست فدراسیون فوتبال، سال‌هاست نقاط ضعف فوتبال ایران و راه‌های برون‌رفت از بحران فعلی فوتبال کشور را در قالب مصاحبه‌های مختلف بیان کرده‌ام و اکنون حضور در یک برنامه ضبط‌شده تلویزیونی و مناظره با سایر کاندیداهای محترم را به صلاح فوتبال کشور ندانسته و آن را بیشتر نمایشی می‌بینم.» نمایشی بودن» این برنامه چیزی است که بیش از هر چیز مورد تاکید کریمی واقع شد و تماشای این مناظره نشان داد که حق با کریمی بوده است.

آنچه در آخرین برنامه «فوتبال برتر» به روی آنتن رفت، بیش از آنکه مناظره نامزدها باشد، اعلام برنامه‌های آنها بود. برنامه‌هایی که گاه به‌شدت غیر واقع‌بینانه و رؤیایی می‌نمود و لزوم به‌چالش کشیدن آنها توسط مجری برنامه و سایر کاندیدها احساس می‌شد؛ اتفاقی که این‌طور که باید و شاید نیتاد تا این برنامه بیشتر بسان رفع تکلیف شبکه سوم سیما باشد. در شرایطی که حتی در مناظره‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری نیز بخش زنده مناظره‌های تلویزیونی در دستور کار قرار می‌گیرد، در این انتخابات به‌مراتب کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر، نه‌تنها خبری از مناظره‌های چالشی نامزدها نبود بلکه ضبطی بودن برنامه و خودداری از بخش زنده آن، به‌شدت از جذابیت‌های بالقوه آن کاسته بود.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که اگر به‌جای «فوتبال برتر»، هنوز برنامه‌های به‌نام «نود» پخش می‌شد و تهیه‌کننده و مجری توانمندی به نام عادل فردوسی‌پور سر جایش بود، فرصتی چنین طلایی به این راحتی از دست می‌رفت؟ آیا باز هم با پخش زنده برنامه موافقت نمی‌شد و علی کریمی از حضور در آن شانه خالی می‌کرد؟ به نظر می‌آید پاسخ این سؤالات روشن است و اساساً مقایسه جذابیت‌های «فوتبال برتر» و «نود» قیاسی مع‌الفارق است.

«فوتبال برتر» اگرچه در ظاهر شباهت‌های بسیاری به «نود» دارد ولی به علت تفاوت‌های محسوس ویژگی‌های شخصیتی محمدحسین میثاقی و عادل فردوسی‌پور، تاکنون نتوانسته به دستاوردهای ارزنده فردوسی‌پور و «نود» دست یابد. هر چقدر فردوسی‌پور در اجرای برنامه‌اش سعی می‌کرد خودش باشد و با صداتی حقیقی و باورپذیر برنامه‌اش را پیش ببرد، اجرای میثاقی رنگ‌بویی نمایشی و اغراق‌آمیز دارد.

رنگ‌بویی که مخاطب خیلی زود آن را درمی‌یابد و با توجه به خاطراتی که از اجرای فردوسی‌پور در ذهن دارد، برنامه را پس می‌زند. در این میان عدم بخش برنامه «تی‌وی‌تاک» در سامانه فیلیمو که به گفت‌وگوی انتخاباتی علی کریمی با همراهی مهدی مهدوی‌کیا، خداداد عزیزی و علیرضا منصوریان اختصاص دارد، حاشیه‌های فراوانی را در پی داشت. ابتدا اعلام شد که سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی موسوم به ساترا، اجازه پخش برنامه ویژه علی کریمی درباره انتخابات فدراسیون فوتبال در شبکه نمایش خانگی را ن داده و محتوای آن را مناسب برای پخش عمومی ندیده است. کمی بعد اما این خبر تصحیح و عنوان شد که این برنامه در لیست و نوبت درخواست موافقت کلی قرار گرفته است.

این درحالی است که این شورا هر هفته یک‌بار برگزار خواهد شد و در هر روز تعداد محتوای محدودی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و اتخاذ چنین رویکردی برای برنامه‌های آن تاریخ مصرف دارد، به سوختن و از دست‌رفتن آن منجر خواهد شد.

به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسد در آستانه برگزاری انتخابات فدراسیون فوتبال، ساترا به روشی ظاهراً قانونی، مانع پخش «تی‌وی‌تاک» شده است تا هم به روشی محترمانه علی کریمی را از برقراری ارتباط مردمی‌اش محروم کند و هم شکل‌گیری فصل تازه‌ای از رقابت نفس‌گیر رسانه ملی با شبکه جذاب نمایش خانگی را نشان دهد؛ رقابتی که امیدواریم با کاهش فشارها و قوانین و محدودیت‌هایی تدارک شماره تروز که از دست رفته اما شماره بعدی مجله با نامی دیگر، اردیبهشت آینده با حضور فیلمی‌ها منتشر می‌شود و -گفتم و بارها تکرار کردیم که- کشتی به رهاش ادامه می‌دهد.